

نومه دووم پولس رسول به قرنتيون

بيسه. اما هنون گل اتفاق آفتيدن تا نه ور خومون، بلکه ور خدايه توکل گنيم که موردون بورسونه. ^{۱۰} او امون آ ايطو خطر ترسناکه نجات دا و آندو آم نجات بدهه. امون ور او ايد بسمه که هميطو امون نجات بدهه، ^{۱۱} شمون آم وا پي دعاهاتون امون کمک گنه. اوسون خليا، سي فضا که م جواب دعاه مردم به امون بخشیده بيه، سي دل امون خدان شکر بگنن.

دليل تغيير م برنامه سفر پولس

^{۱۲} فخر امون، گووي وجدان امون سي يانکه رفتارمون م دنيا و بخصوص نسبت به شمون، پي قدوسيت و صداقت خدوي بيده. امون نه پي حکمت بشري، بلکه بنا بر فض خدا عمل کوردمه. ^{۱۳} سي يانکه او چي که سي شمون بنويسم درس همو وان که بخونه و بقمه. و مو ايد دائم ^{۱۴} هموطو که امون تا حده شناختنه، بيشتر آ بان آم اشنايه و دونسه بووه که تره به امون فخر گنه. هموطو که شمون آم م روز خداوند عيسي، مايه فخر امون ببوه.

^{۱۵} پي اي اطمينون، تصميم گروفتم اول سي ديدار شمون آيم تا برکتا بيشتره به شمون رسوئم. ^{۱۶} مخاسم سر رهم به منطقه مقدونيه آ شمون ديدار گنم و آ مقدونيه آندو پشتون ورگردم تا مون روهي سفر به ولايت يهوديه گنه. ^{۱۷} آيا وختي که ايطو تصميميه بگروفتم،

۱ پولس که به خاس خدا رسول عيسي مسيح و برار امون تيموثائوس، به کليسا خدام شر قرنتس و گل مقدسين م سراسر ايالت آخاويه: ^۲ فض و سلومتي آ جانوب خدا، بووه امون و خداوند عيسي مسيح، پي شمون با!

خداي بخشنده گل تسليا

^۳ متبارک با خدا، بووه خداوند امون عيسي مسيح، که بووه رحمتا و خدا گل تسلياس؛ ^۴ اووه که به امون م گل سختيامون تسلي ببخشه تا امون آم ترسه بووم پي او تسليه که آ او دريافت کوردمه، بقتنه که آ سختيا بگذرن، تسلي دهيم. ^۵ سي يانکه هموطو که آ رنجا مسيح به فراووني نصيب برم، همو قدر آم به واسطه مسيح آ تسليش، فراوون نصيب برم. ^۶ آ م سختي هيسم، سي دل تسلي و نجات شمون و آر تسلي دارم، آندو سي تسلي شمون و يان اوسون که شمون همو رنجان که امون بگشيم پي صبوري تحمل گنه اتفاق ب افته. ^۷ ايد امون درباره شمون استوازه، سي يانکه دونم هموطو که م رنجا امون شريك هيسه، م تسلي امون آم شريك ببوه.

^۸ اي برارون، نخم آ سختيايه که م ايالت آسيا ور امون گذشت، بي خبر بووه. فشارايه که ور امون اومه افده سخت و بيشتر آ طاقتمون بيد که آ زنده موندن آم نا ايد بيسم. ^۹ حقيقتن احساس کوردم حکم مرگمون صادر

بخشایش سی شخص خطاکار

۵ ایسون آر گسه باعث ناراحتی بیسه، نه
 ۶ تینا مون، بلکه - آر نخاسه بوم اغراق کُئم
 ۷ - تا حده گل شُمون ناراحت کورده. سی
 ۸ ایطو گسه تنبیه که آ طرف بیشتر شُمون وَر
 ۹ او اعمال بیسه، بَسه. ۷ ایسون دِگه وا اووه
 ۱۰ بخشه و دلدوری دهه، مبادا ناراحتی پش آ حد،
 ۱۱ اووه آ پا دِزاره. ۸ پ، آ شُمون تمنا دارم اووه آ
 ۱۲ مُحبت خوتون مطمئن کُنه. ۹ دلیل نوشتنم
 ۱۳ سی شُمون آم یان بید که شُمون امتحون کُئم
 ۱۴ و بیئم آیا م هر امره مطیع هسه یا نه؟ ۱۰ آر
 ۱۵ شُمون گسته بخشه، مو آم اووه ببخشم و آر
 ۱۶ گسته بخشیدمه، البته آر مورده سی بخشیدن
 ۱۷ وجود داشته در حضور مسیح و سی دل
 ۱۸ شُمون ایطو کوردمه، ۱۱ تا شطون وَر آمون
 ۱۹ برتری پدا نکنه، سی یانکه آ ترفندا او بی خبر
 ۲۰ نیسم.

خدمتگزارون عهد جدید

۱۲ پ وختی سی رسوندن خبر خووش انجیل
 ۱۳ مسیح به شر تروآس رفتُم، قَمیدُم که خداوند
 ۱۴ اونجون در گپه به ری مو گوشیده. ۱۳ اما آندو
 ۱۵ آروم قرار نداشتُم سی یانکه برازم تبتوس پدا
 ۱۶ نکوردم. پ پی اهولی اونجون وداع کورده، به
 ۱۷ منطقه مقدونیه رفتُم.
 ۱۸ ۱۴ اما خدان شکر که هی آمون م مسیح،
 ۱۹ آلا پیروزی بیرّه و رایجه خووش شناخت اووه
 ۲۰ به وسیله آمون همه جا پخش کُنه. ۱۵ سی
 ۲۱ یانکه سی خدا، چه پِن نجات یافتون و چه
 ۲۲ پِن هلاک بیسون رایجه خووش مسیح هسیم.
 ۲۳ اما سی یکه بو مرگ بدِهم که به مرگ

دو دل بیدُم؟ و یا یانکه لِفِ آدمون معمولی
 تصمیم بگِرم، طوره که قِصَم همزمان 'آ' و
 'نهه'؟

۱۸ هَموطو که قصا خدا قابل اعتمادن، قصا
 ۱۹ آمون آم پی شُمون دو پلو نی. ۱۹ سی یانکه
 ۲۰ کووک خدا، عیسی مسیح، که مو و سیلاس
 ۲۱ و تیموتائوس اووه پِن شُمون موعظه کوردم،
 ۲۲ اصلا دو دل نبید بلکه 'آ' او هی 'آ' بیده.
 ۲۳ سی یانکه گل وعدا خدا م مسیح 'آ' هسن
 ۲۴ و سی دل یان به وسیله اووه که آمون 'آمین'
 ۲۵ سر زون بمیارم، تا خدا جلال پدا کُنه. ۲۱ و
 ۲۶ یان خداس که آمون پی شُمون م پوندمون پی
 ۲۷ مسیح محکم بکُنه. او آمون مسح کورده ۲۲ و
 ۲۸ مُر مالکیت خوشه وَر آمون زنده و روح خوشه
 ۲۹ لِفِ بعونه م دلا آمون جا داس.

۲۳ خدان شاهد بگِرم که تینا سی دل مریونی
 به شُمون بید که فُرنتس نورگشتم. ۲۴ نه یانکه
 ۲۵ وَر ایمون شُمون سروری گنیم، بلکه پی شُمون،
 ۲۶ سی شودی شُمون تلاش بگنیم، سی یانکه م
 ۲۷ ایمون محکمه.

۲ پ، عزم خومه جزم کوردم که آندو پیش
 ۳ شُمون ن آیم و باعث ناراحتیتون نبوم.
 ۴ سی یانکه آر شُمون ناراحت کُئم، دِگه کی
 ۵ تره باعث شودی مو بووه، غِر آ شُمون که
 ۶ ناراحتون کوردمه؟ ۳ مو سی دل یان ای نومته
 ۷ نوشتنم تا وخت اومیتُم پیش شُمون، هُنون که
 ۸ واسیکه مون شاد گِین، مایه ناراحتیم نبون.
 ۹ سی یانکه به گل شُمون اطمینون داشتُم که
 ۱۰ شودی مو شودی گل شُمون. ۴ سی یانکه پی
 ۱۱ غم زیاد و دل دردمند و تیا عرصی سی شُمون
 ۱۲ نوشتنم، نه سی یانکه ناراحتون کُئم، بلکه تا آ
 ۱۳ عمق مُحبتُم به خوتون آگا بووه.

چی که نابود بیس پی جلال همراه بید، چقدّه
 بیشتر او چی که بوقی بمتّه پی جلال همراهه.
 ۱۲ پّ چو ایطو ایدّه دارم، پی شهامت کامل
 قصّه بکنم؛ ۱۳ اُمون لِف موسی نیسم که نقایه
 م ری خودش وند تا قوم یهود جلال ریش
 نبینن هر چن مقدر بیس بید که او جلال
 محو بووه. ۱۴ اما فکرا هُنون توریکی بیس سی
 یانکه تا امروز هَمو نقاب وخت خوندن عهد
 عتیق بوقیه و وِرداشته نَبیسه، سی یانکه تِنّا آ
 طریق مسیح وِرداشته ببووه. ۱۵ حتی تا امروز،
 هر وخت تورات موسان بخونن، نقایه سَر
 دل هُنون بَوَنه؛ ۱۶ اما هر وخت گِیسه ری
 آلا خداوند بگنّه، او نقاب وِرداشته ببووه.
 ۱۷ خداوند، روخه و هر جا روح خداوند بووه،
 اونجون آزودیه. ۱۸ و کُل اُمون که پی ریه
 پی نقاب، جلال خداوند، اوطو که م اینه، سل
 گنم، لِف هَمو تصویر، آ جلال به جلال بیشتره
 دگرگون ببووم؛ و یان آ خداوند سرچشمه بگره
 که روخه.

گنجینایه م کیزا سوفولی

۴ پّ چو سی دل لطف خدا ای خدمت
 دارم، دلسرد نم بووم. ۲ بلکه آروشا پنهونی
 و ننگین دیری کوردمه و به فریکوری متوسل
 نم بووم و کلوم خدانّ آم تحریف نم گنم، بلکه
 برعکس، پی اعلام آشکار حَقّقت، تلاش بکنم
 در حضور خدا مورد تایید وجدان کُل بووم.
 ۳ حتی آر انجیل اُمون مبهمه، وَر گسونه مبهمه
 که م طریق هلاکتن. ۴ خدا ای دنیا، شطون
 فکرا بی ایمونون کور کورده تا نور انجیل جلال
 مسیح که صورت خداس، نبینن. ۵ سی یانکه
 اُمون خومونه موعظه نم گنم، بلکه عیسی
 مسیح به عنوان خداوند موعظه بکنم و آ
 خومون تِنّا سی دل عیسی و تِنّا به عنوان خادم

رَنموی ببووه؛ سی یکه دِگه عطر حیاتِم که
 حیات به بار میاره و کِیه که سی ایطو
 کاره لیاقت داشته بووه؟ ۱۷ برخلاف خلیا که
 سی منفعتشون کلوم خدانّ بفروشن، اُمون م
 مسیح در حضور خدا پی خلوص نیت قصّه
 بکنم، لِف گسونه که سخنگو خدان.

۳ آیا یه ر دِگه شرو به تعریف کوردن درباره
 خومون بکنم؟ یا لِف بعضه، نیاز به ارائه
 توصیه نومه به شُمون یا گروفتن توصیه نومه
 آ شُمون دارم؟ ۲ شُمون خوتون توصیه نومه
 اُمونه، نومه نوشتّه وَر دلامون که کُل ترن وان
 خونن و قمن. ۳ شُمون نشون داییه که نومه
 مسیح هِیسه، ثمره خدمت اُمون و نوشتّه نه پی
 مرکب، بلکه پی روح خدای زنده و نه سَر لوح
 سِنگی، بلکه سَر لوح دلا آدمون.

۴ اُمون ایطو اطمینونه به واسطه مسیح در
 حضور خدا دارم. ۵ نه یانکه خومون لیاقت
 داشته بووم تا چّیه به حساب خومون ونم،
 بلکه لیاقت اُمون آ خداس. ۶ او به اُمون لیاقت
 بخشیده که خدمتگزارون عهد جدید بووم،
 عهدیه که پی کار روح استوازه، نه پی شریعت
 که نوشتّه بیشتر نی. سی یانکه 'نوشتّه' بگشه،
 اما روح حیات ببخشه.

۷ آر دوران شریعت که سَر سِنگ حک بیس
 بید و به مرگ رسید، پی شکوه زیاده شرو بیس
 که قوم یهود سی دل نوره که م ری موسی
 یرق دا نترسن م ریش سل گنن، هر چن او
 نور کم کم ناپدید بیس، ۸ پّ ایسون دوره
 ظهور روح القدس چقدّه با شکوه تر ببووه.
 ۹ سی یانکه آر خدمته که به محکومیت انسان
 برسید پی جلال بید، چقدّه بیشتر خدمته که
 به صالحی برسه پُر آ جلاله. ۱۰ سی یانکه او
 چی که زمونه پُر جلال بید، ایسون در مقایسه
 پی ای جلال برتر، دِگه جلوه ندازه. ۱۱ و آر او

مسکن آسُمونی اُمون

ایسون دونم هر وخت ای خِمه زمینی **۵** یعنه بدنمون که م وان ساکنیم آ ین رووه، عمارته آ خدا دارم، خونه که پی دَس ساخته نَبیسه و تا ابد م آسُمون. ^۲ و بهیقین که م ای بدن آه بگِشَم، سی یانکه مشتاق یانم که مسکن آسُمونی خومونه پوشم، ^۳ سی یانکه پی پوشیدنش، دِگه لُخت نِسم. ^۴ تا زمونه که م ای بدن هِسم پی دله سنگین آه بگِشَم، چو نَخم جومه آ تن دِرارم، بلکه جومه دِگه به تن گُیم، تا فانی غرق حیات بووه. ^۵ و خداس که اُمون سی ای قصد آماده کورده و روخ لِیف یعونه به اُمون داس.

^۶ پ هی دلگرمم، هر چن دونم تا زمونه که م ای بدن منزل دارم، آ خداوند دیرم، ^۷ سی یانکه پی ایمون زندگی بگِیم، نه پی او چایه که ببینم. ^۸ آ، اُمون ایطو دلگرمم و ترجیح بدهم ای بدن ترک کورده، پیش خداوند منزل گیرم. ^۹ پ چه م ای دنیا، م ای بدن بووم و چه م آسُمون پی مسیح، یان هدفمون کوردمه که اووه خشنود گِیم. ^{۱۰} سی یانکه گلمون وا در برابر مسند قضاوت مسیح حاضر بووم، تا هر ک بنا بر اعمال خوب یا بده که م روزا سکونت م بدن خودش کورده، سزا بیته.

دوسی پی خدا به وسیله مسیح

^{۱۱} پ چو معنی ترس آ خداوند دونم، تلاش بگِیم مردم مجاب گِیم. اما او چی که هِسم وَر خدا آشکاره و اِمدوارم وَر وجدان شُمون آم آشکار بووه. ^{۱۲} نَخم آندو شرو به تعریف

شُمون قِصه بگِیم. ^۶ سی یانکه هَمو خدا که گُف: «نور آم توریکی تابه،» نور خوشه م دلا اُمون روشنا کورد تا شناخت جلال خدا م ری مسیح، اُمون منور گُته.

^۷ اما ای گنجینه م کِیزا سوفولی دارم، تا آشکار بووه که ای قدرت عظیم آ خداس نه آ اُمون. ^۸ اُمون آ هر طرف م فشارم، اما خورد نَبیسه؛ آشفته بیسمه، اما ناامد نِسم؛ ^۹ آزار ببینم، اما هیچ وخت تِنا نِسم؛ زمین خورم، اما آ پانمیوفیم. ^{۱۰} هی مرگ عیسان م بدن خومون حمل بگِیم تا ایطو حیات عیسی آم م بدن اُمون ظاهر بووه. ^{۱۱} سی یانکه اُمون که زندیم، هی سی دل عیسی به مرگ سپورده ببووم تا حیات او م بدن فانی اُمون آشکار بووه. ^{۱۲} پ مرگ م اُمون عمل بگُته، اما حیات م شُمون.

^{۱۳} م کتاب مزبور نوشته بیسه «ایمون آوردم، پ قِصه کوردم.» سی دل یانکه هَمو روح ایمون دارم، اُمون آم ایمون دارم و قِصه بگِیم. ^{۱۴} سی یانکه دونم او که عیسی خداوند آ موردون ورسونید، اُمون آم پی عیسی ورسونه و پی شُمون به حضور او بمیازه. ^{۱۵} هِنون کُل سی دل شُمون، تا فِضه که شامل حال عیده بیشتر و بیشتره ببووه، باعث شکرگزاری بیشتر سی جلال خدا بووه.

^{۱۶} پ دلِسر دم بووم. هر چن انسان ظاهری اُمون فرسوده ببووه، انسان باطنی روز به روز تازهتر ببووه. ^{۱۷} سی یانکه رنجا جزئی و گذرا اُمون جلال ابدیه نصیبمون بگِین که پی او رنجا قابل قیاس نی. ^{۱۸} پ نه وَر او چی که دیدنیه، بلکه وَر او چی که نادیدنیه سل گِیم، سی یانکه دیدنیا گذران، اما نادیدنیا ابدین.

۳ اُمون م هيچ چي باعث لغزش گيسه نَم بووم، تا آ خدمتمون اِراډه گروفته نبووه، ۴ بلکه م هر چي شايستگي خومونه نشون دِهيم، اوطو که آ خادومون خدا انتظار رووه: پي صبورى زياد م زحمتا، م سختيا، م بلاها، ۵ م شولاقي خورډنا، م زندونا، م شورشا، م کارا سخت، م بي خووى و م گسني؛ ۶ پي پوکي، پي معروف، پي صبر، پي مَربوني، پي روح القدس، پي مُحبت بي ريا، ۷ پي راسگووى، پي قدرت خدا، پي اسلحه صالحى به دَس راس و چپ؛ ۸ م عزت و ذلت و بدنومى و خوشنومى. هر چن پمون لِف ډروگوون رفتار کين، اما اُمون حَقَقَت بگووم؛ ۹ مَرى گمنام، اما هنى آم شناخته بيسم؛ مَرى در حال مرگ، اما هنى آم زندم؛ مَرى شکنجه ببييم، اما هنى آم آ پا ن اُفتيدمه؛ ۱۰ مَرى ناراحتم، اما هنى آم شادم؛ مَرى فقيرم، اما هنى آم خلياَن دولتمند بگنم؛ مَرى چي ندارم، اما هنى آم صوحوب همه چي هيسم.

۱۱ اى مردم شر فُرَنَس، اُمون هر چي م دلمون بيد، به شُمون گفتم و مُحبت خومونه نشونتون داييم. ۱۲ اُمون مُحبت خومونه آ شُمون دَرِغ نَم گنم. يان شُمونه که مَر خوتونه اُمون دَرِغ بگنم. ۱۳ پي شُمون لِف بچونم قَصه بگنم؛ شُمون آم دل خوتونه سى اُمون گوشه.

معبد خداى زنده

۱۴ پي بي ايمونون متحد ميووه، سى يانکه چه پونډه بِن صالحى و شرارته و چه رفاقيه بِن نور و ظلمته؟ ۱۵ چه توافقه بِن مسيح و شطونه و چه شوباهته بِن ايموندار و بي ايمونه؟ ۱۶ و چه توافقه بِن معبد خدا و بتاس؟ سى يانکه اُمون معبد خداى زندم. اوطو که خدا بگووه: «بِن هُنون سکونت بگنم و بِنشون ره برووم،

کورډن دربارِه خومون گنم، بلکه مَخِم دليله به شُمون دِهيم که به اُمون فخر گنه، تا تَرِسَه بووه جوواب گسونيه دِهه که وَر ظاهر فخر کين، نه وَر او چي که م قلبه. ۱۳ آَر عقلمون آ دَس دايقه، سى دل خداس؛ و آَر عقل سليم دارم، سى دل شُمون. ۱۴ سى يانکه مُحبت مسيح وَر اُمون حکمفرماس، چو يقين دارم که يه نفر سى دل گل مورد، پ گل موردن. ۱۵ مسيح سى دل گل مورد تا زندون دِگه نه سى خوشون، بلکه سى او زندى کين که سى دلشون مورد و ورسيد.

۱۶ پ، آ ايسون به بعد دربارِه هيچ ک پي معيارا بشرى قضاوت نَم گنم و هر چن نوهاتر دربارِه مسيح ايطو قضاوت بکورډم، ايسون دِگه ايطو نى. ۱۷ پ آَر گيسه م مسيح بووه، خلقيته تازس. چپا کونه گذشته؛ ايسون، همه چي تازه بيسه! ۱۸ هُنون گل آ خدان که به واسطه مسيح اُمون پي خودش اُشتى دا و خدمت اُشتى به اُمون سُپورده. ۱۹ آ طرفه دِگه، خدا م مسيح دنياَن پي خودش اُشتى بدا و گناها مردم به حسابشون نَم وند و پيوم اُشتى به اُمون سُپورد. ۲۰ پ سفرون مسيح هيسم، طوره که خدا آ زون اُمون شُمون به اُشتى بخونه. اُمون آجانوب مسيح اُشمون تمنا بگنم پي خدا اُشتى گنه. ۲۱ خدا سى دل اُمون مسيح که گنان ن اشناخت، م ره اُمون گنا کورد، تا اُمون م او صالحى خدا بووم.

۷ به عنوان همکارون خدا، آ شُمون تمنا دارم که فِض خداَن بي فايده ندونسه بووه. ۲ سى يانکه خدا م کتاب اِشعيا نبى بگووه: «م زمون لطف خودم، وَر تو گوش دام و م روز نجات، کمکت کورډم.» آ ايسون زمون لطف خداس؛ به يقين، امروز روز نجاته.

و مو خدا هُنون ببووم

و هُنون قوم مو ببوون.»

داره، خبر آورد، که یان بیشتر آ قبل مون شاد کورد.

^۸ سی یانکه هر چن پی نومه خودم ناراحتون کوردُم اما آ کورده خودم پِشمون نِسُم. چو پی یانکه تا حده پِشمون بیدم - سی یانکه ببیئم نومم هر چن زمون کمه، شُمون ناراحت کورد - ^۹ اما ایسون شادُم، نه آ یانکه ناراحت بیسه، بلکه چو ناراحتیتون باعث توبه بیس.

سی یانکه ناراحتی شُمون سی خدا بید، تا هیچ ضرره آ مون به شُمون نرسه. ^{۱۰} چو ناراحتیه که سی خدا بووه، باعث توبه ببووه، که به نجات برسه و پِشمونی ندازه. اما ناراحتیه که سی دنیاس، مرگ به بار میاره. ^{۱۱} بینه ناراحتیه که سی خدا بید چه ثمرایه م زندی شُمون به وجود آورده: چه شور و شوقه، چه اشتیاقه سی اثبات بی گنوهیتون، چه ناراحتی و احساس خطر، چه دلنگی، عزت و مجازاته. شُمون آ هر نظر ثابت کورده که م او قضیه بی تخصیر بیدیه. ^{۱۲} پ نومه مو به شُمون سی دل او گسه که بدی کورده و یا ور او که بدی بیسه نبیده، بلکه سی دل یان بیده که در حضور خدا ارادت شُمون به مون، ور خوتون آشکار بووه. ^{۱۳} هِنون کُل باعث تسلی مون بیسنه.

بیشتر آ تسلی خومون، دیدن شودی تیتوس آم باعث شودی بیشتر مون بیس، سی یانکه گلئون جون اووه تازه کورده بید. ^{۱۴} مو پیش او به شُمون فخر کوردُم و شُمون مون سرافکنده نکورده، بلکه هموطو که هر چی شُمون گفتم دُرس بید، ثابت بیس که فخر مون ور تیتوس آم به جا بیده. ^{۱۵} هر ر که او اطاعت کُل شُمون و یان که چطو پی احترام زیاد اووه قبول کورده به یاد میاره، دل بستگی به شُمون بیشتر ببووه. ^{۱۶} آ یانکه به شُمون اطمینون کامل دارم خوشحالم.

^{۱۷} پ، خداوند بگووه:

«آ ین هُنون بیایه در و جدا بووه.

هیچ چی نجس لمس مکنه

و مو شُمون قبول بکنم.»

^{۱۸} «خداوند قادر مطلق بگووه:

مو بووه شُمون ببووم

و شُمون کووکون و دخترن مو ببووه.»

ای عزیزون، ایسون که ای وعدا مال

آمون، بیایه خومونه آ هر ناپوکی جسم

و روح پاک کُنیم و پی ترس آ خدا، تقدس به

کمال رسونم.

شودی پولس

^۲ آمون م دل خوتون جا دِهه. در حق گسه بدی نکوردمه، گسه فاسد نکوردمه و آ گسه سودجوی نکوردمه. ^۳ یان نَم گووم تا محکومتون کُنم. نوهائر به شُمون گفتم طوره م دل مون جا داره که آمادیم پی شُمون میرم و پی شُمون زندی کُنیم. ^۴ مو ور شُمون اعتماد کامل دارم و خلی ورتون فخر کُنم. خلی تسلی گروفتمه و پی وجود کُل سختیا، شودی مو حد و مرزه ندازه.

^۵ سی یانکه وختی به منطقه مقدونیه رسیدیم، تمنون آسایش پدا نکورد، بلکه آ هر طرف م زحمت بیدم - آ در جنگا و آ درون ترسا داشتیم. ^۶ اما خدایه که آدمون افسردنه تسلی ببخشه، پی اومین تیتوس آمون تسلی دا. ^۷ و آمون نه تِنَا آ اومین تیتوس، بلکه به واسطه او تسلیه که آ شُمون پدا کورد بید، تسلی گروفتیم. او آ اشتیاق شُمون سی دیدار مو و حسرت و ناراحتی خلی زیادتون و غرته که نسبت به مو

جمع کوردن هدیّا

طبق علاقه خوتون، پی مل ای کار تموم گِیه. ^{۱۲} هدیه شخص، آر پی اشتیاق بویه قبول ببویه البته مطابق او چی که گِیه دازه، نه او چی که ندازه.

^{۱۳} سی یانکه خاس اُمون یان نی که بقیّه م رفاه بوون و شُمون م فشار، بلکه دُما برقروری مساواتم، ^{۱۴} ایسون، آ غنایه که دازه، کمبود هُنون برطرف گُته و روزه آم غنای هُنون کمبود شُمون برطرف بگُته. ایطو مساوات برقرار ببویه، ^{۱۵} هَموطو که م تورات نوشته بیسه: «گِیه که زیاد گِرد کورد بید، چی اضافه نداشت و گِیه که کم گِرد کورد بید، چی کم نداشت.»

رفتن تیتوس به قُرنتُس

^{۱۶} خدانَ شکر گُتم که م دل تیتوس آم وَندَه که لِف مو پی غِرتَه که دازه به فکر شُمون ببویه. ^{۱۷} سی یانکه او نه تِنا تقاضا اُمون قبول کورد، بلکه خودش پی غِرت زیادش، سی اومین پیش شُمون پشقدم بیس. ^{۱۸} اُمون پی او براریه بفرسِنم که کُل کلیساها سی دل خدمتش به انجیل وَش احترام بَوَن. ^{۱۹} به علاوه، او آ طرف کلیساها انتخاب بیسه تا م انجوم ای کار خِر که سی نشون داین خِرخووهیمون و سی جلال خدا، خدمت وانَ به عهدَه گروفتمه، همسفر اُمون ببویه. ^{۲۰} اُمون خلی دلمون بدهم که خدمت اُمون م جمع کوردن ای هدیه سخاوتمندونه مورد انتقاد گِیه قرار نگره. ^{۲۱} سی یانکه تلاش بگِیم نه تِنا در نظر خداوند، بلکه در نظر مردم آم او چیه که پرازندس انجوم دهیم.

^{۲۲} پی ای افراد، برار خومونه آم بفرسِنم که چن ر اشتیاقش آرها مختلف وَر اُمون ثابت بیسه و ایسون اشتیاق او سی دل اطمینون

ایسون ای برارون، مَخِم شُمون آ فِضَه که خدا به کلیساها منطقه مقدونه عطا کورده، آگا گُیم. ^۲ چو هَموسون که هُنون سی دل زحمتا سخت، م آزمایش بیدن، با وجود یانکه خلی فقیر بیدن، آ شودی فراوون پُر بیسن و ای شودی باعث سخاوت پی حد و اندازه هُنون بیس. ^۳ مو خودم شاهدُم که هُنون در حد توون خوشون حتی بیشتر آ وان پشقدم بیسن و ^۴ پی اصرار زیاد آ اُمون خواهش کوردن که م ای خدمت به مقدسین شریک بوون. ^۵ هُنون حتی خلی بیشتر آ انتظار اُمون عمل کوردن، سی یانکه اول خوشونه به خداوند و بعد طبق اراده خدا به اُمون، تقدیم کوردن. ^۶ سی دل یان، آ تیتوس مَخاسِم هَموطو که خودش نوهاتر قدما اول م تدارک ای فِض عمل سخاوتمندونه شُمون ورداشت بید، ایسون آم وانَ به کمال رسونه. ^۷ پ اوطو که شُمون م همه چی، م ایمون، م بیان، م معروفِت، م شور و حرارت زیاد و م مُحَبَّتون به اُمون نمونه هِسه، پ م ای فِض عمل سخاوتمندونه آم نمونه بایه.

^۸ یانَ به شُمون حکم نَم گُتم، بلکه مَخِم خلوص مُحَبَّتون در مقایسه پی شور و حرارت بقیه امتحون گُتم. ^۹ سی یانکه آ فِض خداوند اُمون عیسی مسیح آگاهه که هر چن دولتمند بید، سی دل شُمون فقیر بیس تا شُمون در نتیجه فقر او دولتمند ببویه.

^{۱۰} پ نظر خومه دریاره یان اعلام گُتم، سی یانکه به سود شُمون: پارگه، شُمون نه تِنا م انجوم ای کار خِر، بلکه م ابراز اشتیاق به انجوم وان آم پشقدم ببیده. ^{۱۱} م او زمون خلی مایل ببیده که ای کار انجوم دهه و ایسون

بووه و سی انجوم هر کار خوب، به زیوتی داشته بووه. ^۹ اوطو که م کتاب مزبور نوشته بیسه:

«پی دَس دلووزی به نیازمندان بخشیده، صالحیش سی همیشه پابندس.»

^{۱۰} خدا که بذَر سی کشاورز و نوَن سی خوردن فراهم گُنه، بذرتون مهیا کورده، زیوتی بخشه و محصول صالحی شُمون فراوون بگُنه. ^{۱۱} اوسون آ هر نظر دولتمند ببووه تا ترسه بووه م هر فرصته سخاوتمند بووه و ای سخاوت شُمون به واسطه اُمون به شکر خدا برسه.

^{۱۲} انجوم ای خدمت، نه تِنا نیازا مقدسین برآورده بگُنه، بلکه باعث شکرگزاری عده بیشتره آ خدا آم ببووه. ^{۱۳} سی دل مُر تایید ای خدمت بر زندگی شُمون، مردم خدان سی اطاعتیه که پی اعتراف شُمون به انجیل مسیح همراهه و همیطو سی سخاوته که م کمک کردن به هُنون و به کُل نشون دِهه، تمجید بگُین. ^{۱۴} هُنون سی دل فیض عظیم خدا که پی شُمون، پی علاقه و اشتیاق زیاد سی شُمون دعا بگُین. ^{۱۵} خدان سی عطا غریقابل وصفش شکر!

دفاع پولس آ خدمتش

۱. مو، پولس، که در حضور شُمون 'متواضعُم' اما دیر آ شُمون 'شجاع'، پی صبر و نرمش مسیح آ شُمون تمنا دارم ^۲ و شُمون التماس گُتم که وخت اومیتُم پیشتون مجبور نیووم پی گسونه که فکر گُین رفتارا اُمون جسمانین، پی جسارت زیاد عمل گُتم. ^۳ سی یانکه هر چن م ای دنیا زندگی بگُیم، اما به روش دنیوی تم جنگیم. ^۴ سی یانکه اسلحه جنگ اُمون دنیوی نی، بلکه آ طرف خدا قدرت دازه قَلان نابود گُنه. ^۵ اُمون دلیلا و هر ادعاییه

زیادش به شُمون حتی بیشتر آم بیسه. ^{۲۳} درباره تیتوس وا گووم که م خدمت به شُمون شریک و همکار مون؛ و درباره برارونمون آم وا گووم که فرستادون کلیساها و جلال مسیح. ^{۲۴} پ مُحبت خوتونه م عمل به هُنون ثابت گُنه و نشون دِهه که فخر اُمون به شُمون بی دلیل نی، تا کُل کلیساها بینن.

۹. نیازه نی درباره خدمت به مقدسین سی شُمون نوُسُم، ^۲ سی یانکه آ اشتیافتون به کمک کردن آگاهُم و در ای مورد پیش ایموندارون مقدونیه به شُمون افتخار کوردمه. هُنون گُفته که شُمون م ایالت آخائیه آ پارگه سی هدیه داین آماده بیدیه. غرتتون بیشتر مردم به حرکت درورده. ^۳ اما ای برارون بفرسُم تا فخر اُمون به شُمون در ای مورد بخود نبووه، بلکه تا هموطو که به هُنون گُفته، آمادگی لازم داشته بووه. ^۴ سی یانکه آر گیه آ ایموندارون مقدونیه پیم آیه و فمه که آماده نیسه، اُمون - و چقده بیشتر خوتون - آ اطمینونه که به شُمون داشتیمه، سرافکنده ببووم. ^۵ پ ضروری دونسُم آ برارون خاصه بووم که آ نوهاتر سی دیدارتون آین و تدارک هدیه سخاوتمندونیه که وعده دایه بید، تموم گُین. اوسون ای هدیه، هدیه ببووه که آ ری دَس دلووزیه نه آری اجبار.

تشوق به سخاوت داشتن م هدیه داین

^۶ قِصه سر یان که هر ک کم کاره، کم آم درو بگُنه و هر ک فراوون کاره، فراوون آم برداشت بگُنه. ^۷ هر ک وا مطابق او چی که م دل خودش تصمیم گروفته بخشه، نه پی اکراه و اجبار، سی یانکه خدا بخشیده شاد دوس دازه. ^۸ و خدا قاذره هر نعمتیه سی شُمون اَقده زیاد گُنه تا م همه چی، هی کُل نیازاتون برآورده

خبر خووش انجيل م سرزمينا دير آ شُمون رَسونم. سی يانکه نَخم به کاره فخر گُئِم که نوهاتر م حوزه ماموريت شخصيه دِگه انجوم بیسه. ^{۱۷} ب «هر ک فخر بکنه، به خداوند فخر گنه.» ^{۱۸} سی يانکه شخصيه که آخودش تعريف گنه مورد قبول نی، بلکه شخصيه که خدا آزش تعريف گنه مورد قبوله.

بولس و رسولون دُرو

۱۱ اِمدواژم نادونی کم موَن تحمل گنه و ايطو آم کوردیه! ^۲ مو غِرَت خدوییه نسبت به شُمون دارم. مو شُمون به مسیح رَسوندُم، لِیَف بیه نجیبه که پی مَرش ازدواج گنه. مو مَحُم که شُمون پاک بووه و تِنا به او تعلق داشته بووه. ^۳ اما بترسُم هموطو که حوا گول حيله مار خورد، فکرا شُمون آم آ سرسپردگی پی صداقت و خالصيه که به مسیح داره، منحرف بوون. ^۴ سی يانکه آر گيسه پيشتون آيه و شُمون به عیسی دِگه غِر آ او که اُمون سی شُمون موعظه کوردُم، موعظه گنه، یا آر روجه متفاوت پی او روح که دریافت کورده یا انجیل غِر آ او انجیل که آ اُمون شُفْتِه به شُمون معرفي گنه، راحت قبولش بکُنه. ^۵ اما گمون تَم گُئِم مو آ او «رسولون گپ» چی کم داشته بووم. ^۶ شاید سختران ماهره نبووم، اما م معروفِت چی کم ندارم؛ یان به کمال و آ هر نظر وَر شُمون ثابت کوردمه.

^۷ آیا گنا کوردُم که پی داین خبر خووش رایگان انجیل خدا به شُمون، خومه پست گُئِم تا شُمون سرلُند بووه؟ ^۸ مو پی قبول کوردن کمک مولی، اوطو که مری کلیساها دِگنه غارت کوردُم تا ترسه بووم شُمون خدمت گُئِم. ^۹ و م مدت اقامتُم بِن شُمون، هر وخت چی نیاز داشتُم، باره سر شون گيسه نوندُم،

که پی غرور بووه و در برابر شناخت خدا قرار گِرَنه آ بِن تَرِم و هر فکریه مطیع مسیح بکُئِم. ^۱ وختی که آ مسیح کامل اطاعت کورده، اُمون آمادم تا هر ناطاعتیه مجازات گُئِم.

^۷ شُمون تِنا وَر ظاهر سِل گنه. آر گيسه اطمینون دازه آ مسیح، وا در نظر داشته بووه که اُمون آم همو اندازه آ مسیحیم. ^۸ شاید مو دربارِه اختیاریه که خدا به مو داس بِش آ حد وَر خودُم فخر کورده بووم، اما پِشُمون نِسُم. سی يانکه خدا ای قدرت و اختیار سی بنا شُمون نه سی خروبی شُمون به مو داس. ^۹ نَخم به نظر آيه که دارم تلاش گُئِم پی نوما خودُم شُمون ترسونم، ^{۱۰} سی يانکه بعضه بگوون: «نوما او سنگین و قوین، اما حضورش ضعیفه و م کلومش خیره نی.» ^{۱۱} هُنون که ايطو بگوون وا دونسه بوون که هر چی در غیاب خومون م نومامون بگووم، همو وان وختی بِنتون هِسِم، عمل بکُئِم.

^{۱۲} اُمون جرأت تَم گُئِم خومونه آ دَسه گسونه که آ خوشون تعريف گُئِن حساب گُئِم یا پی هُنون خومونه مقایسه گُئِم. چه جاهلونس که هُنون دربارِه خوشون پی معیارا خوشون قضاوت بکُئِن و خوشونه پی یکدو مقایسه بکُئِن. ^{۱۳} اما اُمون نه بِش آ حد مجاز، بلکه در حیده فخر بکُئِم که خدا سیمون تعیین کورده، حیده که شامل حال شُمون آم بیووه. ^{۱۴} اُمون آ حد خومون پا پِشتر نَوَندِمه، اوطو که مری آته پِیش شُمون ن اومیه بووم. سی يانکه اولی گسونه بیِدِم که انجیل مسیح به شُمون رَسونِدِم. ^{۱۵} اُمون به او چی که بقیه انجوم دانه فخر نکوردمه و آ حد خومون تجاوز تَم گُئِم. اِمد اُمون یان که هر قدر ایمون شُمون بیشتر رشد بکنه، دامیه فعالیت اُمون بِن شُمون آم بیشتر بووه، ^{۱۶} تا ترسه بووم

ضعيفتر آيان بيدمه كه ترسه بووم ايطو كارييه
گنم!

آر گسه به خودش اجازه بدهه به چي فخر
گنه - آندو آم لف بي قمون قصه بگنم - مو
آم به خودم اجازه بدوهم به وان فخر گنم.
۲۲ آيا عبرونين؟ مو آم هسم! آيا يهودين؟ مو
آم هسم! آيا آنسل ابروهيمن؟ مو آم هسم!
۲۳ آيا خادوم مسيحن؟ لف ليوون قصه بگنم -
مو بيشتر هسم! آكل سخت تر كار كوردمه،
چن ر بيشتر به زندون افتيدمه، بيشتر آكل
شولاق خوردمه، خلي وختا آم بي خطر مرگ
ري به ري بيسمه. ۲۴ پين ر آ يهوديون، سي
و نه ضربه شولاق خوردم. ۲۵ سو ر بي چو
زندم، به ر سنگسار بيسم، سو ر كشتي سفرم
غرق بيس، يه روز و يه شوو م دريا گذروندم.
۲۶ هي م سفر بيدمه و خطر آ هر طرف
تهديدم كورده: خطر عبور آ روخونا، خطر
رزنون؛ خطر آ طرف قوم خودم، خطر آ طرف
غريهوديون؛ خطر م شر، خطر م بيايون، خطر
م دريا؛ خطر آ طرف براون درو. ۲۷ سخت كار
كوردمه و زحمت گشيدمه، چن ر بي خووي
گشيدمه؛ گسني و نشني تحمل كوردمه، چن
ر بي غذا موندمه و سرما و بي لبوسي و ر خودم
ديدمه. ۲۸ بيشتر آكل هنون، بار نگروني سي
كل كليساهاس كه هر روز سر شوئم سنگيني
بگنه. ۲۹ كيه كه ضعيف بووه و مو ضعيف
نبووم؟ كيه كه م ايمونش لغزش خوره و مو
نسورم؟

۳۰ آر واسكه فخر گنم، به چپايه فخر بگنم
كه ضعف مون نشون بدين. ۳۱ خدا، بووه
خداوند عيسي، كه اووه تا ابد شكر با، دونه
مو درو تم گووم. ۳۲ م دمشق، حاكم منصوب
شا حارث، نگونونه و ر شر دمشق گماشت تا
دسگيرم گنن. ۳۳ اما مون م زمبيله، آ پنجره كه

سي يانكه برارونه كه آ منطقه مقدونيه اومن
احتياجا مون برآورده كوردن. و مو اصلا باره
سر شونتون نبيدمه و آ ايسون به بعد آم نسوم.
۱۰ به او حقيقت مسيح كه م وجود مون قسم
خورم، كه هيچ ك م نووحي آخائيه اي فخر
مون آ مونم گزه. ۱۱ آيا سي دل يان ايطو بگووم
كه دوستون ندارم؟ خدا دونه كه دوستون
دارم! ۱۲ و اي روش خومه ادامه بدوهم تا
فرصت آ آدمون فرصت طلب گزم، اوسون او
افراد نترن همو كارييه كه امون انجوم دهم،
انجوم دين و ور خوشون فخر گنن.

۱۳ سي يانكه ايطو گسونه، رسولون درو
و خادومون فريكارن كه خوشونه به شكل
رسولون مسيح ظاهر گنن. ۱۴ و يان عجيب
ني، سي يانكه شطون آم خوشه به شكل ملاكه
نور بداره؛ ۱۵ پ تعجبه نداره كه خادومونش
آم خوشونه هم شكل خادومون طريق صالحی
گنن. عاقوبت هنون مطابق كاراشون ببووه.

فخر پولس به رنجا خودش

۱۶ آندو بگووم: گسه مون بي قم فرض نكنه.
اما آر ايطو بگنه، اقلا مون لف شخصه
بي قم قبول گنه، تا ترسه بووم كيه فخر
گنم. ۱۷ وختي ايطو بي اطمينون آ فخر خودم
بگووم، نه آ جانب خداوند، بلكه آ بي قميه.
۱۸ چو خليا و ر امتياز دنيوي فخر گنن، مو
آم فخر بگنم. ۱۹ سي يانكه شمون بي قمون بي
شودي تحمل گنه، مري ايسون خوتون خلي با
حكمت هسه! ۲۰ حقيقت يان كه شمون حتى
گسونيه كه شمون بنده خوشون بگنن، يا مال
شمون بالا بگشن، يا سي منفعت خوشون
آزتون سواستفاده بگنن، يا ورتون رياست بگنن،
يا م ريتون كشيدی بزتن، به خويي تحمل بگنه.
۲۱ بي كمال شرموندي وا اقرار گنم كه امون

بِن شُمون پي آیات و عجایب و معجزا به ظهور رَسید. ۱۳ در مقایسه پي باقیه کلیساها، چه کوتوهیه در حق شُمون بیس، غِر آ یانکه هیچ وخت باره سَر شونتون نَبیدمه؟ سی ای بدی که در حق شُمون کوردُم، مون بخشِه!

۱۴ ایسون آمادَم سی ر سووم سی دیدارتون آیم و باره سَر شونتون نَم بووم. چو نه اموال شُمون، بلکه خود شُمون مَحُم. سی یانکه یان بَچون یسن که وا سی مار و بووه خوشون جمع کُین، بلکه مار و بووه سی بَچونشون جمع بَکُین. ۱۵ پ مو پی شودی زیاد هر چی دارُم م رَه جونا شُمون خرچ بَکُم و حتی جون خوقه آم دَرِغ نَم کُئِم. آر مو شُمون بیشتر دوس دارُم، آ یا شُمون وا مون کتر دوس داشته بووه؟

۱۶ اما حتی آر قبول کُنه که خودُم سربار شُمون نَبیدمه، لاید بگووه چو شخصه حيله گُرم، وایه طوره آ شُمون سودجوبی کورده بووم. ۱۷ آ یا به واسطه هُنون که پیشتون فرسَنیدُم آ شُمون سواستفاده کوردُم؟ ۱۸ مو آ تیتوس خواهش کوردُم که پیشتون آیه و برارمون آم پیش فرسَنیدُم. آ یا تیتوس آ شُمون سواستفاده کورد؟ آ یا اُمون آم پی هَمی روش رفتار نکوردِم و هَمی روش پش نگروفتیم؟

۱۹ آ یا تا ایسون گمون کوردیه که تلاش بَکُیم نوها شُمون آ خومون دفاع کُیم؟ ای عزیزون، اُمون در حضور خدا و لِف گسونه قِصه بَکُیم که م مسیحن و هر چی بَکُیم، سی بنا شُمون. ۲۰ سی یانکه آ یان بترسُم که پیشتون آیم و شُمون اوطو که انتظار دارُم، نبیئُم و شُمون آم مون اوطو که انتظار دارِه، نبینه. آ یان بترسُم که بِن شُمون بحث، حسیدی، خشم، خودخووهی، تهمت، غِبَت، غرور و بی نظمی بینُم. ۲۱ و هَمیطو آ یان بترسُم که وختی پیشتون آیم، خدا یه ر دِگه مون در

م حصار سَر بید، زَر فرسَنیدن و ایطو آ چنگ حاکم گروختُم.

روایاها پولس

۱۲ واسِکِه فخر کُئِم؛ هر چن سودِه آ وان بَدَس نمیا، ادامه بدوهام و درباره رویاها و مکاشفا خداوند قِصه بَکُئِم. ۲ شخصیه که م مسیح، پ اِشنا سُم که چارده سال پیش به آ سُمون سووم ربوده بیس. ندوئُم جسمن به آ سُمون رفت یا روحن، خدا دونه. ۳ دوئُم به بهشت بالا بورده بیس - جسمن یا روحن، خدا دونه - ۴ و او چیا وصف نَبیسنی شَنف، که قِصه کوردن درباره هُنون سی انسان جایز نی. ۵ مو به ایطو شخصه فخر کُئِم. اما درباره خودُم، اِلا به ضعفام فخر نَم کُئِم. ۶ حتی آر خاسه بووم فخر کُئِم، بی قَم نَم بووم، سی یانکه حَقَقَت اعلام کُئِم. اما نَحُم گِسه بَکُته چی بیشتر آ یانکه م وجودُم ببینه و آ مو بَشَنفَه، سیم ارزشه قایل بووه.

۷ اما سی یانکه عظمت بی اندازه ای مکاشفا مغرورُم نَکُین، درده لِف خارِه م جسمُم به مو دایه بیس، یعینه عامل شَطون، تا آزارُم دَهه و مون آ غرور وادونه. ۸ سو ر آ خداوند تمنا کوردُم وان آ مو گِره، ۹ اما مون گُف: «فِض مو سی تو بَسَه، سی یانکه قدرت مو م ضعف به کمال بَرَسَه.» پ پی شودی بیشتر به ضعفام فخر بَکُئِم تا قدرت مسیح بر مو ساکن بووه. ۱۰ سی دل یان، م ضعفا، دشمنونا، سختیا، آزارا و مشکلا، سی دل مسیح شادُم، سی یانکه وختی ناتووئُم، اوسون تئوونام.

۱۱ لِف بی قَمون رفتار کوردُمه! شُمون مجبورُم کورده. واسِکِه اُزَم تعریف کورده، سی یانکه هر چن هیچُم، اما آو اُرسولون گُپ چی کم ندارُم. ۱۲ نشونا رسالتُم، در نهایت صبوری

مردود نَبیسمه. ^۷ دعا اُمون به درگا خدا یان که مرتکب خطایه نبوه؛ نه سی یانکه معلوم بووه که اُمون آ آزمایش سرلُند در اوممه، بلکه تا شُمون او چیه که دُرسه، انجوم دِهه، حتی آر به نظر رَسه که اُمون مردود بیسمه. ^۸ سی یانکه نَترم هیچ عملیه برخلاف حَقَقَت انجوم دِهم، بلکه هر چه بگنیم سی حَقَقَتَه. ^۹ سی یانکه هر وخت اُمون ضعیف بووم و شُمون قوی، باعث شودیمون ببووه و دعا اُمون یان که شُمون کامل بووه. ^{۱۰} سی دل هَمی یان، مِ غیاپم ای مطالبِ سیتون بنوسُم تا وختی پیشتون اومم، مجبور نیوم آ اقتدار خودم پی شدت عمل استفاده گنم، اقتداره که خداوند نه سی خراب کوردن، بلکه سی بنا به مو داس.

خاتمه

^{۱۱} سی خاتمه، ای برارون، شاد بووه؛ کامل بووه؛ یکدووه تشوق گُنه؛ هم‌رای بووه؛ و مِ صلح و صفا زندگی گُنه، که خدای مُحَبَت و صلح و صفا پی شُمون. ^{۱۲} یکدووه پی بوسه مقدس سلام گووه. ^{۱۳} گل مقدسین، سلام ورتون برسونن. ^{۱۴} فیض خداوند عیسی مسیح، مُحَبَت خدا و رفاقت روح‌القدس پی گل شُمون با، آمین.

حضور شُمون فروتن گُنه و مو سی دل بعضیه که قبلا گُنا کوردنه و آ ناپوکی، بی‌عفتی و عیوشی خوشون توبه نکوردنه، ناراحت بووم و نَترسه بووم ورتون فخر گنم.

هشدارا آخر

۱۳ یان ر سوومه که سی دیدارتون بمیام. م تورات نوشته بیسه «پی گووهی دو یا سو شاهد، هر قِصه ثابت ببووه.» ^۱ مو م دیدار دووم خودم، کسونیه که قبلا مرتکب گُنا بیسن بید و همیطو هر کَ دِگنه هشدار دام و ایسون آم م غیاب خودم آندو هشدار بدوهم که وختی پیشتون آیم، وَر گِسه آسون نَم گِرم. ^۲ سی یانکه شُمون دلیل مَخه آ یانکه مسیح آ طریق مو قِصه بگُنه. او م رابطه پی شُمون ضعیف نی، بلکه بِن شُمون قدرتمنده. ^۳ سی یانکه هر چن م ضعف به صلیب کشیده بیس، اما پی قدرت خدا زندگی بگُنه. همیطو، اُمون آم جسمن م او ضعیفم، اما پی او م رابطامون پی شُمون پی قدرت خدا زندگی بگنیم. ^۴ خوتونه امتحون گُنه تا بینه آیا ایمون داره یا نه. خوتونه مَحک زنه. آیا متوجه نَم بووه که عیسی مسیح م وجود شُمون؟ مَر یانکه م ای آزمایش مردود بووه! ^۵ و اِمدوارم قِمه که اُمون